



راستی آزمایی آژانس از آغاز تزریق گاز در نطنز

دور جدید همکاری ایران و آژانس در نطنز

گروه دیپلماسی: سفیر و نماینده دائم کشورمان نزد سازمان های بین‌المللی از انتشار گزارش نیم‌صفحه‌ای مدیرکل آژانس بین‌المللی اتمی و اعلام آغاز تزریق گاز یوآف ۶ به یک زنجیره ۱۷۴‌اتایی سانس‌تریفیوژهای آی‌آرام خبر داد...

صفحه ۴

پنجشنبه ۲۹ آبان ۱۳۹۹ • ۳ ربیع‌الثانی ۱۴۴۲ • ۱۹ نوامبر ۲۰۲۰

تیتراها

ادعای طبری داستان‌سرایی است

صفحه ۲

نهادهای موازی قانون‌گذاری خلاف قانون اساسی است؟

صفحه ۴

مصطفی کواکبیان:

ممکن است نامزد ۱۴۰۰ شوم

صفحه ۲



نماینده مجلس علیه اسطوره استقلال ارز فرهاد و عرض احمد!

صفحه ۱۱

حرف اول

کتاب وتوسعه اجتماعی

تورج فرهادی، شهردار منطقه ۶ تهران



آگاهی مهم‌ترین عنصر توسعه و پیشرفت هر کشور و جامعه‌ای محسوب می‌شود. یکی از مهم‌ترین دشمنان آگاهی که خطر آن به‌مراتب از جهل مخرب‌تر است، دریافت و آگاهی ناقص یا گزینشی است که در جهان امروز ما در قامت و بستر شبکه‌های اجتماعی خود را نشان می‌دهد که با وجود موابه و مزایای آن اما در مسیر رشد آگاهی نتوانسته است طرحی نو دراندازد و کاری اساسی انجام دهد. این روزها که هفته کتاب و کتاب‌خوانی نام‌گذاری شده است، می‌تواند فرصت خوبی برای بازفهم و بازخوانی آگاهی و نقش کتاب و مطالعه در توسعه اجتماعی جامعه باشد. فرصتی که این هفته و نام‌گذاری آن را فراتر از اقدامات شعاری و نمادین به زمینه‌ای برای عمق‌بخشی به فهم ضرورت راهبردی توسعه اجتماعی و نقش مهم و اساسی مطالعه بدل کند. واقعیت این است که آنچه در جامعه امروز ایران وجود دارد و به غلط از آن به آگاهی تعبیر می‌شود، عمدتاً در قالب خبر قابل رده‌بندی است که فاصله‌ای بزرگ پرنافه‌دنی با آگاهی به معنای مفهومی آن دارد. اخباری که درستی و نادرستی آنها عموماً مورد تشکیک قرار می‌گیرد و با تواتر و گردش آن در شبکه‌های مختلف گویی دلیلی برای اعتبار و اصالت آن در نظر گرفته می‌شود. این در حالی است که به همان اندازه که همه‌گیری و رواج استفاده از شبکه‌های مجازی افزایش پیدا کرده، سرنه مطالعه و کتاب‌خوانی کاهش یافته است. این گزاره رنگ خطری جدی است که نشان می‌دهد در موضوع کتاب‌خوانی و مطالعه که بنا بر آمارهای منتشرشده سهم کمی در سفره زندگی اجتماعی مردم دارد، باید به راهکار و راهبردی بیندیشیم که فراتر از اقدامات شعاری و سمبلیک بتواند با اصلاح فرهنگی و ارائه راهکارها و سازوکارهای واقعی و منطقی به شرایط موجود پایان دهد و کتاب را از یک کلای لوکس به موضوعی ضروری و مهم در جامعه ارتقا دهد. با اینکه رشد علمی در کشور شاخص‌های مطلوبی را تجربه می‌کند اما همه افراد جامعه مطالعه را جدی نمی‌گیرند یا دست‌کم به مطالعه گذرای تیتراهای اخبار شبکه‌های مجازی بسنده می‌کنند که البته علاوه بر اینکه به رشد آگاهی کمکی نمی‌کند، چه‌بسا مشکلات و گرفتاری‌های بزرگی هم ایجاد می‌کند که درنهایت هم ساختارها و هم رویه‌ها را با چالش روبه‌رو می‌کند. پیرسش این است که چه باید کرد؟

ادامه در صفحه ۲



«شرق» اعلام نرخ ۱۱/۵ هزار تومانی دلار در بودجه سال آینده را بررسی می‌کند

۱۴۰۰ بدون ارز دولتی؟

روحانی به انتقادهای قالیباف پاسخ داد

اصلاً شما قهرمان تحریم

پشت پرده مجادلات مجلس و دولت چیست؟

بایدن می‌تواند با ۳ فرمان اجرائی همه تحریم‌ها را لغو کند
پیام مشخص ظریف به بایدن



صفحه‌های ۲ و ۴

یادداشت

داود فیرحی و مسئله دولت در ایران



ابراهیم‌بای سلامی

هفت روز قبل، داود فیرحی از میان ما رفت. او بر دانش تکیه زد و در حوزه معارف علمی و دینی به مسئله حاکمیت و دولت پرداخت. «ولت» از مهم‌ترین نهادهای اجتماعی است که به دلیل تسلط بر منابع مادی و انسانی جامعه بر دیگر نهادهای اثر می‌گذارد. نهادهای دیگر مثل دین، خانواده و اقتصاد نیز از دولت و حاکمیت متأثر می‌شوند.

«توماس هابز» دولت‌ها را نتیجه ارزش‌های یک ملت می‌داند و عمده ویژگی‌های این نهاد را در فرهنگ و باورهای ملت‌ها ردیابی و بررسی می‌کند. «داود فیرحی» که خاستگاه نخست او نظام قدیم دانش و حوزه‌های علمیه زنجان و قم بود، به دانشگاه تهران آمد و با روش‌های تحقیق دانشگاهی و استادان میرز علوم سیاسی مثل استاد سیدجواد طباطبایی آشنا شد. دکتر طباطبایی «تئوری انحطاط ایران» را با مفاهیمی مانند «امتناع از اندیشه» و «بن‌بست در عمل» تبیین می‌کرد و فلسفه ایران‌شهری و جدال سنت و تجدد را با نقد سیاست‌نامه‌نویسی و درک عمیق مدرنیته و اهتمام به اندیشه‌ورزی و تمایز و تفکیک و توجه به الزامات علوم قدیم و جدید تدریس می‌کرد. فیرحی در سلوک دانشگاهجویی طلبه‌ای مؤدب و متواضع بود و در همین راستا دریافت که تفاوت «علم» با کلی‌گویی‌های بدون ضابطه در رعایت روش‌های تحقیق است که مانند قواعد منطقی نقش ایفا می‌کند و هر تعریف و فلسفه‌ای را برای مفاهیمی مانند فقه سیاسی، اندیشه سیاسی، سنت و تجدد در نظام مدرن برنمی‌تابد و مهندسی ذهن و زبان و تجلی آن در ادبیات و مفاهیم علوم انسانی در مقایسه با علوم طبیعی دارای پیچیدگی مترازد و دارای کلیتی متنازل است.

تمرکز عمده پژوهش‌های فیرحی بر «مسئله دولت» است. دولت به‌عنوان نهادی که تبلور سیاست‌ورزی، انسداد و مشارکت مردم و نخبان است و شکل مدرن آن در ایران از دوران مشروطیت آغاز می‌شود و با تأسیس قانون اساسی و تشکیل مجلس شورای ملی فرازوتشعب‌هایی را طی کرده است و ضرورت دارد تا یک بار دیگر این نهاد مهم به‌عنوان موضوع و مسئله تحقیق فرا رو و در دستور کار

سنگ‌اندازی ترامپ در مسیر انتقال قدرت به دولت جدید

ترامپ، سدراه دموکراسی آمریکایی

گروه جهان: با وجود گذشت دو هفته از انتخابات ریاست‌جمهوری آمریکا، «دونالد ترامپ» همچنان از پذیرش شکست در این انتخابات اجتناب می‌کند و با توجه به وضعیت بحرانی همه‌گیری کرونا، این مانع‌تراشی رئیس‌جمهوری آمریکا...

صفحه ۸

سال هجدهم • شماره ۳۸۶۸ • ۱۲ صفحه • ۵۰۰۰ تومان

سرمقاله

با بایدن چه می‌کنیم

سیدمصطفی هاشمی‌طبا



طبق اصول و برحسب عرف، با وجود تلاش‌های دونالد ترامپ، جو بایدن رئیس‌جمهوری آینده آمریکا از حزب دموکرات است. در ایران برخی از این انتخاب استقبال کرده و معدودی به قول معروف ذوق زده و برخی از انتخاب‌نشدن ترامپ مایوس و سرخورده شده‌اند؛ زیرا همان‌طور که گروهی فکر می‌کنند حضور ترامپ در دوره دوم می‌تواند با گسترش فساد و لجام‌کسیختگی در آمریکا به حیات ایالات متحده پایان دهد، البته به حیات ایالات متحده پایان داده خواهد شد؛ اما اینکه چه موقع و چگونه و چه تبعاتی دارد، جای سؤال است. در طول تاریخ حکومت‌ها، تمدن‌ها، مکاتب فلسفی و سیاسی همواره فرازوفروود داشته‌اند و سرانجام هر تمدنی دگرگونی یا اضمحلال است و این امری است که نیاز به پیشگوبودن ندارد؛ زیرا سرنوشت محتمل هر تمدنی است. در این رهگذر می‌خواهیم بدانیم اگر آقای جو بایدن تصدی ریاست‌جمهوری آمریکا را بر عهده بگیرد، او چه خواهد کرد و ما چه خواهیم کرد. البته آنچه در زیر می‌آید، فقط تحلیل احتمالات است و نویسنده در اظهار اینکه کدام‌یک بهتر است، فاقد صلاحیت و دانش است؛ اما در پایان به نوعی جمع‌بندی پرداخته خواهد شد.

احتمال اول: آقای بایدن شروطی برای بازگشت به برجام بگذارد که باید از سوی ایران اجرا شود. طبعاً این نوع شرط‌ها که با سیاست عمومی کشور مغایرت دارد، از سوی ایران پذیرفتنی نیست و آقای بایدن هم به برجام باز نمی‌گردد و همه چیز مثل حال می‌شود و تحریم‌ها طبعاً به سوی انقباض بیشتر رفته و روابط با غرب معلق شده و شاهد تداوم روند کنونی اقتصادی و سیاسی خواهیم بود.

احتمال دوم: آقای بایدن به برجام بازگردد و در بازگشت به برجام خواهان مذاکره درباره مسائل مختلف بشود. احتمالاً مسائلی مانند شعار نابودی اسرائیل، مسائل موسیقی، تروریسم و... را در دستور کار قرار می‌دهد که طبق اصول جمهوری اسلامی بحق یا طرح آن در چارچوب برجام مخالف است و تحریم‌ها همچنان باقی می‌ماند؛ مگر موارد نادری که سیاست‌های حزب دموکرات با آن موافق باشد و بخواید چهره انسانی به خود بگیرد. در حقیقت هیچ چیز در مقایسه با زمان حال تغییر نخواهد کرد. **احتمال سوم:** آقای بایدن به برجام بازگردد و هیچ شرطی هم نگذارد و در داخل برجام هم به جز اسنریز اتمی، بحث دیگری را مطرح نکند و تحریم‌های یک‌جانبه آمریکا را هم بردارد و حرفی هم از سیاست‌های خارجی ما نزند. البته چنین امری خیلی بعید به نظر می‌رسد؛ ولی خب اگر ماست را به آب دریا بزنند، دوغ نمی‌شود؛ ولی اگر بشود، چه دغی می‌شود؛ در این حالت فرصت مناسبی به دست می‌آید. تجارت ما با دنیا برقرار می‌شود (به شرط آنکه ما مقررات ضد پول‌شویی بین‌المللی مثل FATF را بپذیریم)، سرمایه‌گذاری خارجی در این کشورمان به رونق می‌رسد (البته اگر ما قدرت جذب داشته باشیم و حالت دافعه کنونی را کنار بگذاریم) صدور ویزا برای اتباع کشورمان از سوی کشورهای خارجی تسهیل می‌شود و اگر اتفاق غیرمترقبه‌ای بیفتد، صادرات ما از جمله صادرات نفت به سهمیه لازم می‌رسد و شرایط سهل مالی و اداری برای افقر، کشور فراهم می‌شود. حال، مسئولان کشور در این حالت چه خواهند کرد؟ بازگشت به خویشتن نه آن‌گونه که «امه سز» منتقد آفریقایی با دکتر علی شریعتی می‌گوید؛ بلکه بازگشت به سیاستی که در ۴۰ سال اخیر دنبال کرده‌ایم و با انجام آن مکتب لیبرالیسم را شرمند ساخته‌ایم. نه آنکه با لیبرالیسم موافق باشیم؛ بلکه از مفاهیم صفت لیبرالیسم و پسالیبرالیسم آنچه عیب و ایراد آن بوده، انتخاب کرده‌ایم و آنچه را به رشد و توسعه می‌انجامد، زودده‌ایم. در دو گزینه احتمال اول و احتمال دوم که قبلاً ذکر کردیم، شرایط انقباضی فعلی ادامه می‌یافت. تورم، تداوم افزایش افراد زیر خط فقر، رشد نقدینگی و انبوه آن، فروش امکانات دولتی همراه با رانت‌خواری حتی فروش ساختمان مجلس شورای اسلامی به قول یکی از نمایندگان مجلس، کاهش ازدواج، کاهش توالد و ادامه تخریب محیط زیست و امکانات باقوه کشاورزی، کاهش معیشت مردم از جمله پدیده‌های ادامه‌دار در کشور شمرده می‌شود. اما در احتمال سوم که توضیح داده شد، ببینیم چه خواهیم کرد؟

بله، به لطف جو بایدن رئیس‌جمهور دموکرات و برگشت و انسان‌دوست امکانات لازم برای رهایی از فشار فراهم خواهد شد و با فروش نفت و البته پذیرش FATF نفیس تازه می‌کنیم و خزانه ارزی کشور ما آباد می‌شود.

ادامه در صفحه ۲

یادداشت

سیاوش در برابر کاووس؛ خردورز در برابر نابخرد



مهدی افشار

سخت در اندیشه است واکنون با افراسیاب هم‌عقیده و همسو است که آشتی و آرامش بهتر از جنگ و خونریزی است. چنین تصمیم گرفته شده که اگر افراسیاب به راستی در اندیشه آشتی و برادری است و دل را به خرد آراسته که دل خردورز، گنجی پر از خواسته است و اگر در زیر نوش، زهری نیست و دل و زبان افراسیاب یکی است و قرار است از این پس بین دو کشور رابطهای دوستانه برقرار شود، از میان پهلوانان سپاه خود که رستم آنان را به نام می‌خواند، صد پهلوان را به‌عنوان گروگان به اینجا فرستد و دیگر اینکه از سرزمین ایران هر بخشی را که در اختیار توران است، به ایران بازگرداند و نیروهای تورانی آن منطقه را تخلیه کنند.

چوپیمان همی کرد خواهی درست که آزار و کینه نخواهیم جست / ز گردان که رستم بداند همی کجا نشان بر تو خواند همی / من برفرستی به رسم نوا که باشد به گفتار تو پرگوا / و دیگر ز ایران زمین هر چه هست که آن شهرها را تو داری به دست / پردازی و خود به توران شوی زمانی ز جنگ و ز کین بغوی. سیاوش افزود: «در صورت موافقت با این دو پیشنهاد، آنگاه نامه‌ای نزد کاووس فرستم و از او خواهم خواست بی‌هیچ نبردی، سپاه را به ایران بازخواند». گرسوز چون این پیشنهادها را دریافت کرد، فرستاده‌ای را با این فرمان روانه کرد که لحظه‌ای چشم بر هم نگذارد و تازان نزد افراسیاب رفته، بگوید که او نیز تیز بشتافته و با سیاوش سخن گفته و چنین است شروط سیاوش برای بازگشت سپاه ایران. فرستاده پیام گرسوز را نزد افراسیاب گزارد و شاه توران چون آن پیام بشنید، در خود فرو رفت و در دل با خود گفت: «اگر صد نفر از خوششان و یاران من آن‌گونه که رستم نام برده است، به گروگان به ایران سپرده شوند، در این بارگاه کاستی بدید خواهد آمد و اگر موافقت نکنم، می‌بندارم سخن من سراسر فریب و نیرنگ بوده است». افراسیاب بر اساس نام‌هایی که گرسوز برشمرده بود، گروگان‌ها را به صف کرد، با خلعت بسیار آنان را روانه سراپرده سیاوش گرداند و در پی آن فرمان داد تا در کرناها دمیدند و بخارا، سعد، چاچ و سیبچاپ را از نیروهای تورانی تهی گردانند و به آشتی با افراسیاب روی خوش نشان دهد و از کینه‌جویی دست‌نکشند. سیاوش از رستم خواست تا به خرمندان‌ه دانست و گفت: «وجود گروگان‌ها در ایران از دو سوی سودمند است؛ از سویی، افراسیاب دیگر تن به خطر نمی‌دهد تا به مرزهای ایران تخطی کند و از دیگر سو، کاووس آرام می‌گیرد و اندکی به امور شخصی می‌پردازد». بعد روز گرسوز به سراپرده سیاوش آمده، زمین ادب پیوسید و درود فرستاد. سیاوش بی‌پرده‌پوشی گفت که از پیشنهاد افراسیاب

ادامه در صفحه ۴